



Measuring the Efficiency of Managerial Strategies in Improving Urban Livability in Tabriz Metropolis

Razieh Ghasemzadeh¹, Mohammad Hassan Yazdani^{2*}

1. PhD Student of Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

2. Professor of Geography and Urban Planning, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Received Date: 31 May 2025 Accepted Date: 02 October 2025

Abstract

Background and Objective: Rapid urbanization and environmental pressures challenge cities to provide a high quality of life. Livability, encompassing social, economic, physical, and environmental dimensions, is influenced by effective urban management. This study aims to evaluate the impact of managerial strategies on urban livability in Districts 1 and 10 of Tabriz, identifying strengths and weaknesses to inform sustainable planning and policy decisions.

Methodology: Descriptive-analytical approach with questionnaires. Data were analyzed using SPSS with t-tests and regression analysis to compare districts and assess relationships between management strategies and livability indicators.

Results and Findings: Findings indicate significant differences between the two districts. District 1 demonstrated higher levels of livability across most indicators, especially in infrastructure and services, while District 10 showed weaknesses in socio-cultural and environmental dimensions. Regression results confirm a meaningful relationship between the quality of urban management and perceived livability. These findings are consistent with international research emphasizing the role of governance, participation, and equitable distribution of resources in enhancing urban life.

Keywords: Urban Management, Livability, Tabriz, Indicators.

* Corresponding Author: yazdani.m51@gmail.com

How to cite this article: Ghasemzadeh, R. and Yazdani, M. H. (2026). Measuring the Efficiency of Managerial Strategies in Improving Urban Livability in Tabriz Metropolis. *Journal of Sustainable Urban & Regional Development Studies (JSURDS)*, 7(2), 188-206.



شاپا: ۰۷۶۴-۲۷۸۳

دوره ۷، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۴، تابستان ۱۴۰۵

Journal Homepage <https://www.srds.ir/>
https://www.srds.ir/article_231234.html?lang=fa

سنجش کارایی راهبردهای مدیریتی بر بهبود زیست‌پذیری شهری در کلان‌شهر تبریز

راضیه قاسم زاده^۱ , محمدحسن یزدانی^۲ * 

۱. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲. استاد گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۱۰

چکیده

زمینه و هدف: زیست‌پذیری شهری در سال‌های اخیر به یکی از مباحث محوری در حوزه برنامه‌ریزی و مدیریت شهری تبدیل شده است. دلیل این امر آن است که گسترش و تراکم روزافزون شهری فشار بیشتری بر فضای محدود، منابع و محیط‌زیست وارد می‌کند و ظرفیت شهرها را برای حفظ کیفیت مناسب زندگی کاهش می‌دهد. هدف این پژوهش، سنجش کارایی راهبردهای مدیریتی بر بهبود زیست‌پذیری در مناطق ۱ و ۱۰ کلان‌شهر تبریز است.

روش‌شناسی: روش تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها با استفاده از پرسش‌نامه گردآوری شده است. تحلیل شاخص‌های کمی در محیط نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آزمون T و تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام صورت گرفته است.

نتایج و یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که منطقه ۱ در ابعاد مختلف مدیریت شهری از جمله خدمات شهری (۳،۰۲)، حکمروایی (۳،۰۶)، سرمایه‌گذاری (۳،۰۷) و فرهنگی-اجتماعی (۲،۷۵) عملکرد بهتری نسبت به منطقه ۱۰ دارد. همچنین، شاخص‌های زیست‌پذیری در منطقه ۱ شامل اقتصادی (۲،۸۴)، اجتماعی (۳،۷۲)، کالبدی (۳،۸۲) و زیست‌محیطی (۳،۶۸) در مقایسه با منطقه ۱۰ که در ابعاد مدیریت شهری و زیست‌پذیری مقادیر پایین‌تری دارد، بیانگر وضعیت مطلوب‌تر این منطقه است. یافته‌ها نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین کیفیت مدیریت شهری و ارتقای سطح زیست‌پذیری وجود دارد و بازنگری در سیاست‌های مدیریتی و برنامه‌ریزی متوازن و عدالت‌محور برای ارتقای کیفیت زندگی شهری در مناطق کم‌برخوردار ضروری است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، زیست‌پذیری، تبریز، شاخص‌ها.

* نویسنده مسئول: yazdani.m51@gmail.com

ارجاع به این مقاله: قاسم زاده، راضیه و یزدانی، محمد حسن. (۱۴۰۵). سنجش کارایی راهبردهای مدیریتی بر بهبود زیست‌پذیری شهری در کلان‌شهر تبریز. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه‌ای، ۷(۲)، ۱۸۸-۲۰۶.

مقدمه و بیان مسأله

پرداختن به تئوری‌های جدید برنامه‌ریزی شهری که هر یک با هدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی شهروندان در شهرها، ارتقاء کیفیت محیط شهر، مدیریت شهر، پیشبرد شهر به سوی مطلوب تر شدن و غیره مطرح شده‌اند، یکی از نیازهای مهم علمی جهت رسیدن به نتایج کاربردی در توسعه کالبدی-فضایی شهری است. با این وجود، هنوز الگوی مشخصی برای توسعه فضای شهری و بهبود شرایط زیستی شهرها ارائه نشده است و غالب نظریه‌های توسعه شهری بر محدودیت‌های کالبدی، زیست‌محیطی و اجتماعی تأکید می‌ورزند. یکی از مباحثی که امروزه کم‌تر به آن در برنامه‌ریزی شهری پرداخته شده، زیست‌پذیری شهری است (احدنژاد و همکاران، ۱۳۹۷: ۹۶).

قابلیت زیست شهری به عنوان یک مفهوم حیاتی در حوزه‌های مطالعات شهری، برنامه‌ریزی و توسعه، به ویژه در زمینه شهرهای متوسط در کشورهای در حال توسعه (موسوم به کشورهای جنوب) مطرح شده است. با مواجهه این شهرها با فرآیند سریع شهرنشینی، نگرانی‌هایی درباره قابلیت زیست عادلانه و پایدار افزایش یافته است. برنامه‌ریزی شهری در شهرهای متوسط کشورهای جنوب جهانی، به دلیل رشد سریع و توسعه فیزیکی برنامه‌ریزی نشده، با چالش‌ها و فرصت‌های منحصربه‌فردی همراه است (جودر و همکاران^۱، ۲۰۲۵: ۱). رویکردهای مختلف برای مقابله با مشکلات شهری وجود دارد که شامل مفاهیمی چون زیست‌پذیری، شهر هوشمند، شهر ایده‌آل، شهر تاب‌آور، شهر دوستدار کودک، سالمند، یادگیرنده و خلاق هستند. در این میان، زیست‌پذیری شهری به عواملی مانند حضور مردم، کاربری مختلط، ایمنی، حس تعلق، پاکیزگی و کارایی محیطی وابسته است (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲: ۳).

زیست‌پذیری همواره جستجوی مردم برای سکونتگاه‌های انسانی ایده‌آل در شهرها بوده است و مفهومی چندوجهی است که به حوزه‌های مختلف محیط زندگی در مناطق شهری مرتبط است (وانگ و میو^۲، ۲۰۲۲: ۳). یک شهر زیست‌پذیر از منظر برنامه‌ریزی شهری و استفاده از اراضی، شهری است که مجموعه‌ای مناسب از شرایط زیست‌پذیر خوب (هم طبیعی و هم فرهنگی) و الگوهای معقول استفاده از اراضی را دارا باشد که نیازهای ساکنان را در زندگی مادی و معنوی برآورده کند (فوو و همکاران^۳، ۲۰۱۹: ۱). زیست‌پذیری هم جنبه‌های کمی و کیفی مانند چگونگی توزیع کالا و خدمات و نیازهای مادی انسان و هم جنبه‌های ذهنی و کیفی مانند روابط اجتماعی، رضایت از زندگی، مشارکت و احساس همبستگی اجتماعی و کلیه نیازهای معنوی انسان را در برمی‌گیرد. چهار شاخص تولید ناخالص داخلی، امید به زندگی، نرخ بیکاری و ثبات سیاسی عمده ترین شاخص‌های زیست‌پذیری در سال ۲۰۰۵ می‌باشند (محمدی ده چشمه، ۱۳۹۹: ۲۰۶).

زیست‌پذیری شهری به عنوان مفهومی چندبعدی به معنای فراهم آوردن محیطی سالم و عادلانه شغل، مسکن و خدمات عمومی برای ساکنان شهری و غیره است. این ابزار هنجاری و تحلیلی است که تعریف آن در طول زمان، فضا و اهداف ارزیابی متفاوت است (شی و همکاران^۴، ۲۰۲۲: ۲). زیست‌پذیری به این اشاره دارد که هر فرد تمایل دارد نیازها و علایق خود را ابتدا در منطقه مسکونی خود برآورده کند. اگر فردی بتواند نیازها و خواسته‌های خود را در منطقه خود برآورده کند، تمایل خواهد داشت که در آن منطقه به زندگی ادامه دهد (یونگ لی^۵، ۲۰۲۱: ۲).

مدیریت شهری در ایران ارتباط مناسب با برنامه‌ریزی شهری و زیست‌محیطی ندارد. برای بهبود زیست‌پذیری شهری و حفاظت از محیط‌زیست، لازم است تعادلی میان عوامل شهری برقرار شود. سیاست‌های نادرست و پروژه‌های نامناسب باعث بی‌نظمی و تخریب محیط‌زیست می‌شود. مدیریت محیط‌زیست در راستای توسعه پایدار و بهبود کیفیت زندگی شهری با توجه به ارزش‌های بومی ضروری است (خوارزمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۱). در دهه‌های اخیر، با توجه به رشد جمعیت و توسعه بی‌رویه شهری، شهرهای کشور با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی زیادی مواجه شده‌اند. بر اساس مطالعات انجام‌شده، برخی از شهرهای ایران، از جمله

¹ Jodder&etal

² wang&miao

³ Fu&etal

⁴ Shi&etal

⁵ Young Lee

تبریز، در وضعیت نامطلوبی قرار دارند. تبریز به عنوان کلانشهری با جمعیت میلیونی، در بسیاری از شاخص‌های شهر پایدار فاصله دارد و با مشکلاتی چون بیکاری، فقدان فرصت‌های شغلی مناسب، آلودگی شدید هوا، ناکارآمدی بافت‌های شهری، و تغییر کاربری اراضی کشاورزی روبه‌رو است. این مشکلات نیازمند برنامه‌ریزی اصولی و راهبردی برای بهبود وضعیت شهر است (ویسی ناب و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۶). از پیش‌شرط‌های اساسی برای ارتقاء کیفیت زندگی و پایداری شهری، شناسایی عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری است. یکی از مهم‌ترین این عوامل مدیریت شهری است. در صورتی که افراد در جامعه‌ای با شرایط مناسب زندگی کنند و قادر به تأمین نیازهای خود باشند، سطح رضایت و کیفیت زندگی افزایش می‌یابد.

۲. سوال‌ها و فرضیه‌های پژوهش

- مدیریت شهری در مناطق ۱ و ۱۰ کلان‌شهر تبریز چه تأثیری بر شاخص‌های زیست‌پذیری شهری دارد؟
- وضعیت زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ تبریز از دیدگاه شهروندان چگونه است؟
- کدام یک از شاخص‌های زیست‌پذیری بیشترین تأثیرپذیری را از مدیریت شهری در تبریز دارند؟
- مدیریت شهری چگونه می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی و ارتقای زیست‌پذیری در تبریز کمک کند؟

فرضیه‌ها:

- مدیریت شهری تأثیر معناداری بر شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ کلان‌شهر تبریز دارد.
- سطح زیست‌پذیری شهری در منطقه ۱ تبریز به دلیل برخورداری از خدمات و امکانات شهری، بالاتر از منطقه ۱۰ است.
- شاخص‌های اقتصادی و زیست‌محیطی بیشترین تأثیر را از اقدامات مدیریت شهری می‌پذیرند.
- ارتقای کیفیت مدیریت شهری منجر به افزایش رضایت شهروندان و بهبود کیفیت زندگی در کلان‌شهر تبریز خواهد شد.

۳. اهداف پژوهش

اهداف کلی

- بررسی تأثیر مدیریت شهری بر ارتقای زیست‌پذیری کلان‌شهر تبریز با تأکید بر مناطق ۱ و ۱۰.

اهداف جزئی

۱. سنجش میزان زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ تبریز از دیدگاه شهروندان.
۲. تحلیل مقایسه‌ای وضعیت شاخص‌های زیست‌پذیری در مناطق مورد مطالعه.
۳. ارائه راهکارهایی جهت ارتقای نقش مدیریت شهری در بهبود کیفیت زندگی و افزایش زیست‌پذیری.
۴. کمک به تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های شهری پایدار و عادلانه در کلان‌شهر تبریز.

۴. مبانی نظری

۴-۱. مدیریت شهری

اگر مدیریت به درختی تشبیه شود که شاخه‌های گوناگونی مانند مدیریت صنعتی، مدیریت مالی، مدیریت روستایی و چون این‌ها داشته باشد، یکی از شاخه‌های جدید این درخت، مدیریت شهری است. در مدیریت شهری موفق می‌توان سازمان فراگیر و در برگیرنده اجزای رسمی و غیررسمی مؤثر و کارآمدی دانست که در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر تأثیر دارند. به منظور اینکه ایده مدیریت شهری به یک واقعیت تبدیل شود، کسانی که اجرا کننده این نوع از مدیریت هستند، باید دیدگاهی واضح‌تر از معنا و مفهوم آن داشته باشند. اگر استکاربرد این اصطلاح به معنای توجه به رویکرد نوین به امور شهری باشد، چیزی بیش از بازسازی

مفاهیم قدیمی مورد نیاز است. رویکرد جدید زمانی شکل می‌گیرد که بر انجام مسئولیت ذاتی در مفهوم مدیریت تأکید شود و فعالیت‌های شهری به عنوان اشیاء مدیریت شده شناسایی شوند. بنابراین، ایجاد احساس مسئولیت برای مدیریت و دستیابی به درک کافی از وظایف که این امر مستلزم آن است، پس از آن، پیش‌شرط لازم برای مدیریت شهری موثر می‌باشد (دلیر و حسینی، ۱۳۹۸: ۱۶۹).

مدیریت شهری به معنای سازماندهی منابع و عوامل برای پاسخ به نیازهای ساکنان شهر است. چون شهرها سیستم‌های باز هستند، مدیریت شهری عمدتاً بر ابعاد کالبدی تمرکز دارد. هدف اصلی این مدیریت، ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه با تأکید بر عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی، پایداری زیست‌محیطی و کیفیت زندگی است. این فرآیند شامل سیاست‌گذاری، تخصیص منابع، اجرا و عملیات مختلف است و به‌عنوان بخشی از سیستم فضایی کشورها، به عوامل مختلفی مانند نوع حکومت، سطح آگاهی مردم و مشارکت اجتماعی بستگی دارد. هدف مدیریت شهری، هماهنگ‌سازی روابط میان عناصر مختلف شهری، ارتقاء شرایط زندگی ساکنان، توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفظ محیط‌زیست کالبدی است. در نهایت، مدیریت شهری به‌دنبال یکپارچه‌سازی اقدامات دولتی و خصوصی برای حل مشکلات شهروندان است (خوارزمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲۲).

۴-۲. زیست‌پذیری

ترجمه فارسی انتخاب شده برای عبارت انگلیسی است و در نتیجه شهر زیست‌پذیری اصطلاح شهرهای معادل عبارت (Liveable City) آورده شده است. شهرهای زیست‌پذیر در ادبیات عمومی در طول دهه ۱۹۸۰ در ارتباط با نگرانی‌های زیست‌محیطی و افزایش رقابت در میان شهرهای جهان برای جذب سرمایه‌های خارجی و تقویت اقتصاد آنها ظاهر شد. شورای مرکزی دولت محلی شمال تگزاس یک اجتماع زیست‌پذیر، اجتماعی امن، قابل اطمینان با گزینه‌های مختلف حمل و نقل، عدالت‌محور، دارای مسکن قابل استطاعت و اقتصاد رقابتی است. کاسیلتی (۱۹۹۷) زیست‌پذیری را تجربه اشخاص از محیط زندگی خود تعریف می‌کند. سکونتگاه زیست‌پذیر، مکان مناسب برای کار و زندگی است. دپارتمان حمل و نقل آمریکا (۲۰۱۱) زیست‌پذیری را سرمایه‌گذاری در حمل و نقل، خدمات و مسکن به نحوی که دسترسی مناسب و کافی به آنها از طریق گزینه‌های جابه‌جایی پایدار و سازگار با محیط‌زیست، مهیا باشد تعریف نموده است (نجفی و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۶).

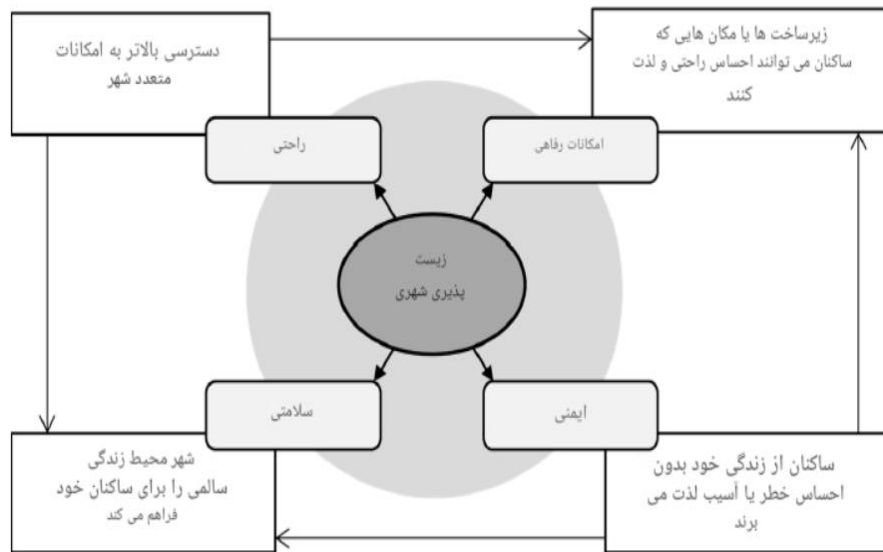
کیفیت زندگی، تجربه ذهنی افراد یا گروه‌ها در جامعه با توجه به استانداردهای رفاه عمومی است. در محیط‌های شهری، زیست‌پذیری معادل کیفیت زندگی در نظر گرفته می‌شود. انجمن بازنشستگان آمریکا (AARP^۱) یک جامعه قابل زیست را دارای مسکن مناسب، خدمات پشتیبان اجتماعی و گزینه‌های حرکتی مناسب تعریف می‌کند که در مجموع استقلال شخصی و مشارکت ساکنان در زندگی اجتماعی و مدنی را تسهیل می‌کنند (ثانی و همکاران، ۲۰۱۹: ۸).

پایه مفهومی قابلیت زیست شهری بر چهار بُعدی استوار است که توسط سازمان جهانی بهداشت (WHO^۳) معرفی شده‌اند: **سهولت دسترسی، امکانات، سلامت و ایمنی** سهولت دسترسی بر اهمیت دسترسی بیشتر به امکانات مختلف شهری تأکید دارد و تضمین می‌کند که ساکنان بتوانند به راحتی و به‌طور مؤثر از آنها استفاده کنند. بر پایه این بُعد، "امکانات" بر وجود زیرساخت‌ها و فضاهایی تمرکز دارد که آسایش و لذت را فراهم می‌آورند و در نتیجه به رضایت کلی از محیط شهری کمک می‌کنند. بُعد "سلامت" به ایجاد محیطی برای زندگی اشاره دارد که به‌طور فعال از سلامت جسمی و روانی افراد حمایت کند و نیازهای اساسی مانند محیطی پاک و سالم را تأمین نماید. در نهایت، "ایمنی" تضمین می‌کند که ساکنان بتوانند بدون احساس تهدید یا آسیب، از زندگی خود لذت ببرند و حس امنیت و پایداری در جامعه‌شان شکل گیرد.

¹ American Association of Retired Persons

² Thani&etal

³ World Health Organization



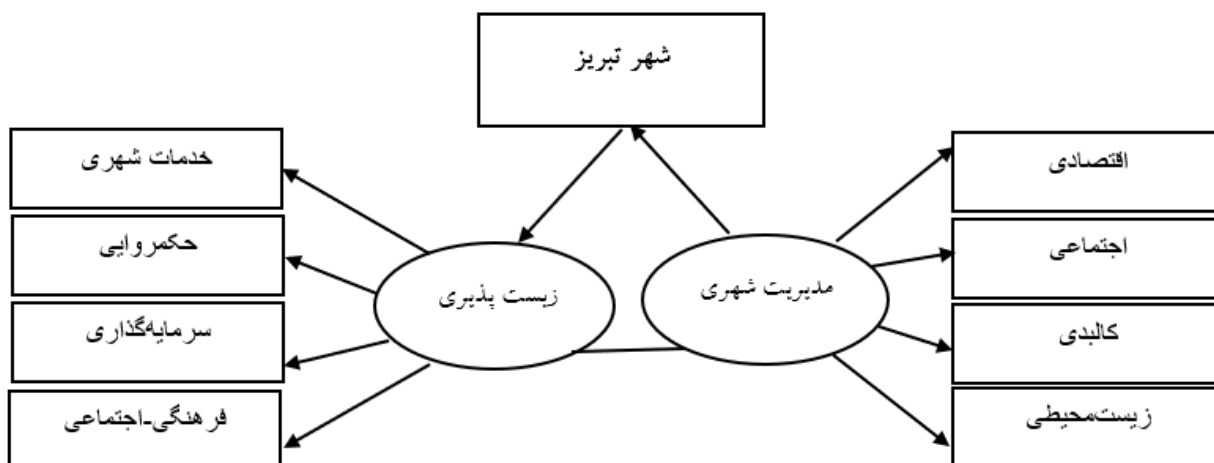
شکل (۱). چارچوب مفهومی قابلیت زیست شهری. ماخذ: (فوو و همکاران، ۲۰۱۹)، (پائول و سن^۱، ۲۰۲۰)، (جودر و همکاران، ۲۰۲۵: ۴). اصطلاح زیست‌پذیری، همانند چتری است که دامنه‌ای وسیع از مفاهیم مختلف نظیر کیفیت زندگی، کیفیت مکان، رضایت ساکنان، کیفیت محیط‌زیست، پایداری و سرزندگی را در بر می‌گیرد و اغلب این مفاهیم به طور هم‌پوشان و مترادف با یکدیگر در نظر گرفته می‌شوند. به عبارت دیگر، ایده زیست‌پذیری پلی است میان بسیاری از مفاهیم اساسی که به مکان‌های خاص اشاره دارند و با تعاملات و واکنش‌های مختلف مرتبط هستند. این مفهوم به رضایت ساکنان از دست‌یابی به نیازهای فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی‌شان، تقویت خوشبختی و سلامت آنان و حفاظت از منابع طبیعی و عملکرد اکوسیستم، از سطوح محلی تا جهانی، توجه دارد (ویسی ناب و همکاران، ۱۳۹۸: ۳۹).

جدول (۱). شاخص‌ها و متغیرهای مدیریت شهری و زیست‌پذیری

مدیریت شهری	
شاخص‌ها	سنجه‌ها
خدمات شهری	حمل و نقل متنوع و مطلوب، ایمنی، پیاده‌محوری، دسترسی مناسب، بهداشت درمان، میلمان شهری، آرامستان‌ها
حکمرانی	شفافیت، مشارکت، قانون‌مداری، پاسخگویی، کارایی و اثربخشی
سرمايه‌گذاري	مسکن مطلوب و متنوع، فضاهای عمومی، اشتغال، فناوری‌های نوین، حمل و نقل شهری، زمین‌های قهوه‌ای
فرهنگی-اجتماعی	تفریح و فراغت، چشم‌اندازهای زیبا، تعامل اجتماعی و کرامت، تنوع و خلاقیت، اطلاع‌رسانی رسانه‌ها
زیست‌پذیری	
شاخص‌ها	سنجه‌ها
اقتصادی	مسکن قابل استطاعت، فرصت‌های شغلی، درآمد سرپرست خانوار، وضعیت فیزیکی مسکن
اجتماعی	اجتماعات محلی، مشارکت، هویت، حس تعلق به مکان، حس امنیت، کیفیت آموزش
کالبدی	ساخت و سازه‌های غیرمجاز، قدمت ساختمان، شبکه معابر و خیابان‌ها، سرزندگی فضاها
زیست محیطی	آلودگی صوتی، جمع‌آوری زباله، حیوانات موذی، آلودگی هوا، کیفیت آب

ماخذ: (مهرنجانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۳)، (زهنما و همکاران، ۱۳۹۸: ۷)، (پور رمضان و همکاران، ۱۳۹۷)، (حبیبی و همکاران، ۱۳۹۷)، (فوو و همکاران، ۲۰۱۹: ۴)، (نجفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸)، (زینی و مجتبی زاده، ۱۳۹۹: ۱۶۹)، (سرائی و یاراحمدی، ۱۴۰۱: ۲۹)، (فرج‌الهی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۱).

¹ Paul & Sen



شکل (۲). مدل مفهومی پژوهش

۵. پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های اخیر در زمینه زیست‌پذیری و پایداری شهری، برخی از مهم‌ترین چالش‌ها و راه‌حل‌های کلیدی مطرح شده است که بر اساس عوامل مختلفی از جمله رشد جمعیت، تغییرات اقلیمی، ناکارآمدی سیستم‌های حمل‌ونقل و فقر شهری بررسی شده‌اند. در تحقیق تومسون و همکاران (۲۰۱۸) تحت عنوان بررسی نقش فضاهای سبز و پارک‌ها در ارتقای زیست‌پذیری شهری، نتایج قابل توجهی حاصل شده است که نشان می‌دهند فضاهای سبز می‌توانند تأثیرات مثبتی بر کیفیت زندگی شهری داشته باشند. به‌ویژه در جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و روان‌شناختی، این فضاها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کنند. طبق نتایج فضاهای سبز شهری نه تنها از منظر زیست‌محیطی، بلکه از جنبه‌های اجتماعی و روان‌شناختی نیز می‌توانند نقشی کلیدی در ارتقای کیفیت زندگی شهری ایفا کنند. به همین دلیل، طراحی و نگهداری مناسب از این فضاها باید در برنامه‌ریزی‌های شهری و سیاست‌گذاری‌های دولتی در اولویت قرار گیرد.

در مطالعه اسمیت و بوراون (۲۰۲۰) تحت عنوان زیست‌پذیری و پایداری شهری: چالش‌ها و راه‌حل‌های کلیدی، نتایج نشان می‌دهند که برای ارتقای زیست‌پذیری شهری، استراتژی‌هایی نظیر کاهش اثرات تغییرات اقلیمی، طراحی فضاهای عمومی مقاوم در برابر بحران‌ها و بهبود خدمات شهری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این پژوهش بر اهمیت تأمین محیط‌هایی مناسب و مقاوم در برابر نوسانات اقلیمی تأکید می‌کند که بتوانند به ارتقای کیفیت زندگی شهروندان و ایجاد شهری پایدار کمک کنند. از سوی دیگر، پژوهش وانگ و میاوو (۲۰۲۲) در زمینه «تحلیل زیست‌پذیری شهری در چین عوامل موثر بر تغییرات مکانی-زمانی، منطقه‌ای نشان می‌دهد که عواملی مانند دسترسی به خدمات عمومی، کیفیت محیط‌زیست، آلودگی هوا، وجود فضاهای سبز و زیرساخت‌های حمل‌ونقل تأثیر قابل توجهی بر کیفیت زندگی و زیست‌پذیری در مناطق شهری دارند. این پژوهش به بررسی این نکته پرداخته است که علاوه بر کیفیت خدمات و زیرساخت‌ها، ویژگی‌های محیطی مانند آلودگی هوا و فضای سبز، نقش حیاتی در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کنند و می‌توانند بهبود زیست‌پذیری را در این مناطق تسریع نمایند.

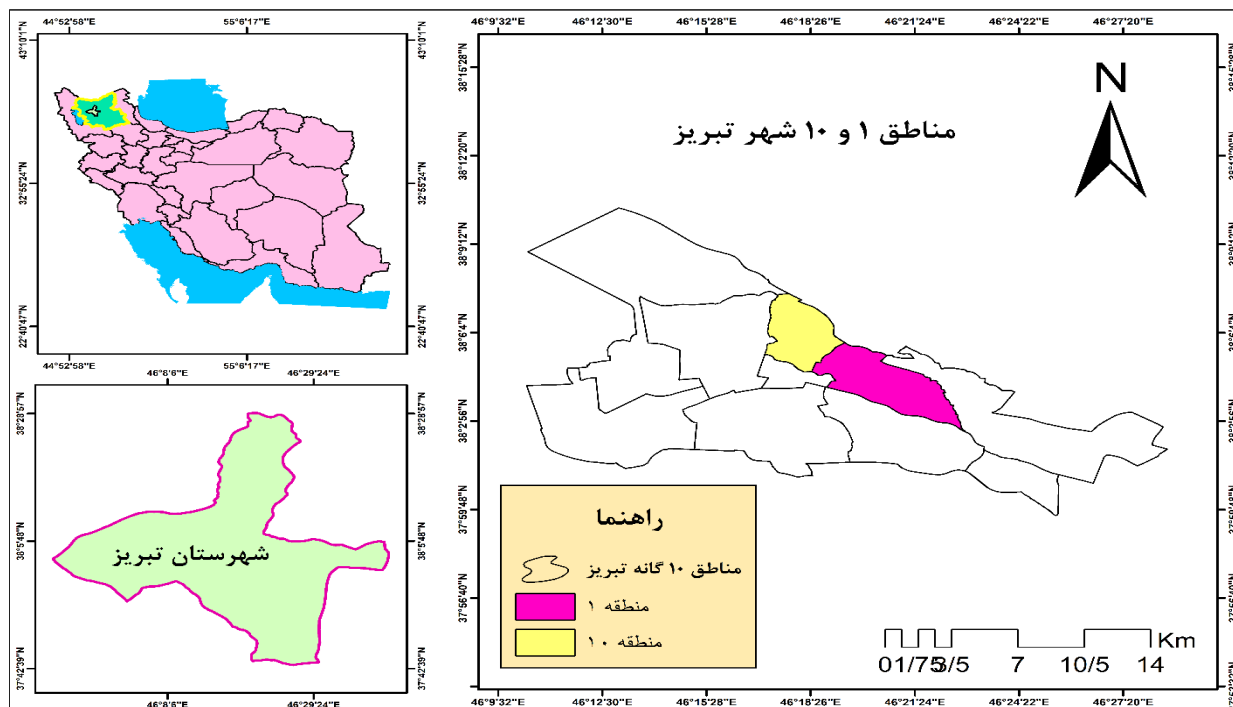
در تحقیق خوارزمی و همکاران (۱۴۰۱) تحت عنوان مدل‌سازی تأثیرگذاری اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهر مشهد (نمونه موردی: منطقه ۶ و ۹)، نتایج نشان می‌دهند که وضعیت منطقه ۹ نسبت به منطقه ۶ در شاخص‌های مورد مطالعه به طور کلی بهتر است. این نتایج بیانگر این است که اقدامات مدیریت شهری در منطقه ۹ به نحوی طراحی و اجرا شده‌اند که موجب بهبود شاخص‌های زیست‌پذیری در این منطقه شده‌اند، در حالی که در منطقه ۶ همچنان چالش‌هایی در این زمینه وجود دارد. این تفاوت‌ها ممکن است ناشی از تفاوت‌های ساختاری، اجتماعی یا اقتصادی در این دو منطقه باشد که بر روی کیفیت زندگی و زیست‌پذیری تأثیرگذار بوده است.

همچنین، در تحقیق خندان و همکاران (۱۴۰۲) تحت عنوان تحلیل اثرات زیست‌پذیری شهری (منطقه ۲۲ کلانشهر تهران)، نتایج نشان می‌دهند که عوامل کالبدی، اجتماعی و محیط‌زیستی بیشترین اهمیت را در بهبود زیست‌پذیری منطقه ۲۲ تهران دارند. این تحقیق به تحلیل دقیق‌تر ابعاد مختلف زیست‌پذیری پرداخته و نشان داده است که بهبود شرایط کالبدی مانند زیرساخت‌ها، فضاهای عمومی و خدمات شهری، همراه با توجه به مسائل اجتماعی نظیر تعاملات اجتماعی و دسترسی به امکانات، بهبود شرایط زیست‌پذیری را تسریع می‌کند. همچنین، حفظ و بهبود وضعیت محیط‌زیست و کاهش آلودگی‌ها از جمله موضوعات کلیدی در این پژوهش به شمار می‌رود.

در پژوهش دیگری از سرائی و یاراحمدی (۱۴۰۲) با عنوان شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر زیست‌پذیری در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر اسفراین)، نتایج نشان می‌دهند که بعد زیست‌محیطی این شهر در وضعیت مطلوبی قرار دارد. عواملی نظیر وضعیت مناسب آب‌وهوایی، فضاهای باز و سبز شهری و چشم‌اندازهای طبیعی باعث ارتقای کیفیت زیست‌پذیری در این منطقه شده‌اند. در مقابل، سه بعد اجتماعی، اقتصادی و کالبدی در وضعیت متوسط رو به پایین قرار دارند که نشان‌دهنده نیاز به توجه بیشتر به این ابعاد برای بهبود شرایط زیست‌پذیری است. این تحقیق همچنین تأکید دارد که بدون توجه به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی نمی‌توان به یک زیست‌پذیری پایدار در سطح شهری دست یافت.

۶. معرفی محدوده مورد مطالعه

کلان‌شهر تبریز در ۵۱ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی و ۳۸ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی از نصف‌النهار گرینویچ، در قلمرو میانی خطه آذربایجان واقع شده است. محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، منطقه ۱ و ۱۰ از بین مناطق ده‌گانه کلانشهر تبریز است. تفاوت در دسترسی به امکانات، سرانه‌های خدماتی و نابرابری در توزیع فرصت‌ها و منابع شهری، از ویژگی‌ها و مشخصه‌های سازمان فضایی و نظام اجتماعی-اقتصادی تبریز است (آسیانی پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۵۲). منطقه ۱۰ کلانشهر تبریز با جمعیتی بالغ بر ۲۰۰۱۴۳ نفر معادل ۱۳/۱ درصد مساحت شهر را شامل می‌شود. جمعیت زیاد، بافت فشرده و وجود اسکان غیررسمی نشان‌دهنده اهمیت بالای این منطقه و مشکلات موجود در آن از منظر زیست‌پذیری شهری می‌باشد (اسمعیل پور و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۱). خصلت غالب منطقه ده علاوه بر کارکرد غالب مسکونی، برخورداری از نقش مختلط خدماتی (فضای سبز، درمانی، تجاری و آموزشی) در مقیاس ناحیه‌ای و محله‌ای به عنوان مکمل نقش سکونتی منطقه است. بافت سکونتی بیشتر منطقه خودرو و حاشیه‌نشین شامل محلات خلیل‌آباد، ملازینال، قوشخانه و سیلاب است. سطوح باز و فضای سبز منطقه اغلب شامل پارک جنگلی ارم است (رضایی و میرزانلو، ۱۳۹۳: ۷). منطقه یک تبریز منطقه یک شهر تبریز دارای جمعیتی بالغ بر ۲۱۲۲۰۶ نفر و شامل ۶۳۱۶۶ خانوار است. این منطقه حدود ۶/۵ درصد از مساحت کل شهر تبریز را در بر می‌گیرد و به سه ناحیه شهری تقسیم می‌شود. تراکم ناخالص جمعیتی منطقه معادل ۱۳۷ نفر در هکتار بوده که این میزان در سطح نواحی سه‌گانه آن به ترتیب ۱۱۴، ۱۰۴، ۲۳۶ نفر در هکتار است. از مجموع مساحت منطقه، ۵۵۲/۴ هکتار دارای کاربری مسکونی بوده و بر این اساس، تراکم خالص جمعیتی آن به ۳۸۳ نفر در هکتار می‌رسد. مجاورت با گسل تبریز، ناهمگونی در طبقات درآمدی ساکنان، هم‌زیستی بافت‌های بسیار مدرن در کنار بافت‌های فرسوده، و توزیع نامتوازن خدمات شهری در سطح نواحی مختلف از ویژگی‌های بارز اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و زیست‌محیطی منطقه یک کلان‌شهر تبریز به شمار می‌آیند (ولی زاده و داداش پور، ۱۳۹۹: ۲۷-۲۸).



شکل (۳). نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۷. روش پژوهش

با تنوع مفهوم زیست‌پذیری شهری، تاکنون توافقی در مورد روش‌های اندازه‌گیری زیست‌پذیری شهری به دست نیامده است. به طور کلی، سه رویکرد برای ارزیابی زیست‌پذیری شهری اتخاذ شده است. اولین رویکرد، روش ارزیابی جامع است که زیست‌پذیری شهری را از طریق ابعاد اندازه‌گیری خاص و شاخص‌های عینی (ارزیابی شاخص‌های جامع) اندازه‌گیری می‌کند و ابزار فنی رایج در این روش، ساخت سیستم شاخص ارزیابی مربوطه است. دومین روش، ارزیابی ذهنی بر اساس ادراک ساکنان (نظرسنجی‌های پرسش‌نامه‌ای) است. در این رویکرد معمولاً از نظرسنجی‌ها، مصاحبه‌های تلفنی، مصاحبه‌های مستقیم و مدل‌های معادلات ساختاری و تحلیل‌های آماری استفاده می‌شود. به عنوان مثال (ژان و همکاران، ۲۰۱۸) زیست‌پذیری چین را از طریق یک نظرسنجی گسترده و مقیاس‌دار مورد مطالعه قرار دادند. سومین روش، روش سیستم اطلاعات و تحلیل‌های جغرافیایی (GIS) است؛ به طور مثال، استفاده از قدرت فناوری‌های GIS و سنجش از دور برای تولید مجموعه‌ای از شاخص‌های ارزیابی زیست‌پذیری شهری از طریق استخراج اطلاعات مربوط به کاربری اراضی. به طور کلی، هر یک از این سه رویکرد دارای مزایای خاص خود هستند و هر کدام در روش‌های مختلف قابل استفاده هستند (وانگ و میو، ۲۰۲۲: ۴).

رضایت شهروندان به طور نزدیک با زیست‌پذیری مرتبط است، بنابراین می‌توان انتظار داشت که اقدامات مدیریت شهری و محله‌ها تأثیر قابل توجهی بر زیست‌پذیری داشته باشند. مطالعات داخلی و خارجی متعدد به موضوع زیست‌پذیری شهری پرداخته‌اند، اما بیشتر آن‌ها یا بر ابعاد کالبدی و زیست‌محیطی تمرکز داشته‌اند و یا در مقیاس کلان به بررسی زیست‌پذیری در سطح یک شهر پرداخته‌اند. آنچه کمتر مورد توجه بوده، ارتباط مستقیم میان مدیریت شهری و ارتقای زیست‌پذیری در سطح مناطق شهری است. از این رو، این مطالعه رضایت از محیط شهری و روابط محله‌ای را به عنوان عواملی که بر زیست‌پذیری تأثیر می‌گذارند، در نظر گرفته است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و روش توصیفی-پیمایشی است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مطالعات اسنادی (برای استخراج مبانی نظری و پیشینه پژوهش) و پیمایش میدانی (برای سنجش دیدگاه شهروندان مناطق ۱ و ۱۰ تبریز) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان این دو منطقه تشکیل می‌دهند و برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران استفاده شده است.

داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته مبتنی بر شاخص‌های مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری گردآوری شده است. به‌طوری‌که ابتدا با استفاده از مطالعات اسنادی و نتایج پژوهش‌های پیشین، پرسش‌نامه در دو بخش شاخص مدیریت شهری و شاخص زیست‌پذیری در مجموع ۸ شاخص و ۴۲ گویه تنظیم شد که در جدول (۱) آمده است. در مرحله بعد، برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه محقق‌ساخته شامل سؤالات عمومی و تخصصی استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعیین گردید و تعداد ۳۸۴ نفر از ساکنان مناطق ۱ (به‌عنوان منطقه برخوردار) و ۱۰ (به‌عنوان منطقه کمتر برخوردار) کلان‌شهر تبریز انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به‌صورت هدفمند و نسبی تصادفی طراحی شد تا نمایندگی مناسبی از جامعه آماری فراهم آورد. با توجه به تعداد پرسش‌نامه‌ها و وسعت و جمعیت مناطق مورد مطالعه، این تعداد با استفاده از فرمول تناسب بین دو منطقه تقسیم شد، به‌این‌ترتیب که تعداد نمونه پژوهش در منطقه ۱، ۲۰۷ و در منطقه ۱۰، ۱۷۷ نفر به‌تناسب وسعت و جمعیت انتخاب شدند، سپس پرسش‌نامه‌ها توزیع و اطلاعات موردنیاز به دست آمد. جهت محاسبه پایایی پرسشنامه از آلفای کرون باخ در Spss برای دو منطقه ۱ و ۱۰ استفاده شد. در مرحله تحلیل داده‌ها جهت تحلیل اطلاعات به دست آمده از پرسش‌نامه از آزمون T و تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام در محیط Spss استفاده شده است. در رابطه با نوآوری پژوهش حاضر نسبت به مطالعات قبلی مثل یکی از مطالعات مشابه در ایران، پژوهش خوارزمی و همکاران (۱۴۰۱) در شهر مشهد است که به بررسی تأثیر اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری پرداختند. هرچند این مطالعه نیز به پیوند میان مدیریت شهری و زیست‌پذیری اشاره داشته، اما از نظر شاخص‌ها و بستر بومی، با پژوهش حاضر تفاوت‌های اساسی دارد.

۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها

جدول (۲) آمار توصیفی شاخص‌های بعد مدیریت شهری را شامل خدمات شهری، حکمروایی، سرمایه‌گذاری و فرهنگی-اجتماعی به همراه شاخص کلی مدیریت شهری نشان می‌دهد. میانگین‌ها وضعیت هر شاخص را مشخص می‌کنند و انحراف معیار پراکندگی پاسخ‌ها را نشان می‌دهد، که امکان مقایسه و تحلیل ابعاد مختلف مدیریت شهری را فراهم می‌آورد. نتایج توصیفی شاخص‌های پژوهش در رابطه با مدیریت شهری بیانگر این بود که بیشترین میانگین را شاخص حکمروایی با میانگین ۲/۶۹ و کمترین میانگین را شاخص فرهنگی - اجتماعی با میانگین ۲/۴۹ به دست آوردند، هم‌چنین میانگین بعد مدیریت شهری برابر ۲/۶۲ با انحراف معیار ۰/۶۳ بود (جدول ۲).

جدول (۲). آمار توصیفی شاخص‌ها و بعد مدیریت شهری

بعد / شاخص	میانگین	انحراف معیار
خدمات شهری	۲/۶۵	۰/۷۲
حکمروایی	۲/۶۹	۰/۷۱
سرمایه‌گذاری	۲/۶۴	۰/۷۸
فرهنگی - اجتماعی	۲/۴۹	۰/۶۱
مدیریت شهری	۲/۶۲	۰/۶۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول (۳) آمار توصیفی شاخص‌های چهار بعد زیست‌پذیری شهری (اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی) و شاخص کلی زیست‌پذیری را نشان می‌دهد. مقادیر میانگین وضعیت هر بعد را مشخص می‌کنند و انحراف معیار میزان پراکندگی پاسخ‌ها را بیان می‌کند، که امکان مقایسه و تحلیل ابعاد مختلف زیست‌پذیری شهری را فراهم می‌سازد. نتایج توصیفی شاخص‌های پژوهش در رابطه با زیست‌پذیری شهری بیانگر این بود که بیشترین میانگین را شاخص اجتماعی با میانگین ۳/۰۸ و کمترین میانگین را شاخص اقتصادی با میانگین ۲/۶۱ به دست آوردند، هم‌چنین میانگین بعد زیست‌پذیری شهری برابر ۲/۹۳ با انحراف معیار ۰/۹۱ بود (جدول ۳).

جدول (۳). آمار توصیفی شاخص‌ها و بعد زیست‌پذیری شهری

بعد / شاخص	میانگین	انحراف معیار
اقتصادی	۲/۶۱	۰/۶۵
اجتماعی	۳/۰۸	۰/۹۷
کالبدی	۳/۰۱	۱/۲
زیست‌محیطی	۲/۹۳	۱/۱۹
زیست‌پذیری شهری	۲/۹۳	۰/۹۱

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول (۴) میانگین شاخص‌های بعد مدیریت شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز را نشان می‌دهد. مقادیر ارائه شده وضعیت هر شاخص در دو منطقه را مقایسه می‌کند و امکان بررسی تفاوت‌ها و اولویت‌های مدیریتی بین مناطق مختلف را فراهم می‌سازد. برای سنجش تفاوت شاخص‌های اثرگذار اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز از آزمون T مستقل استفاده شد. آزمون فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شد. در این رابطه میانگین شاخص‌های مدیریت شهری در منطقه یک نسبت به منطقه ۱۰ بیشتر بود و بیشترین میانگین به دست آمده برای شاخص‌های سرمایه‌گذاری ۳/۰۷ و حکمروایی ۳/۰۶ به دست آمد. در این زمینه نتایج آزمون t براساس برابری واریانس‌ها (شاخص‌های دارای درجه آزادی ۳۸۲) و عدم برابری واریانس‌ها (شاخص‌های با درجه آزادی ناهمگون) بیان شده است که براساس نتایج به دست آمده، مشخص شد که وضعیت تمام ابعاد و شاخص‌های پژوهش در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز دارای تفاوت معنادار بوده است. مثبت بودن آماره t برای شاخص‌های خدمات شهری (۱۲/۸۶)، حکمروایی (۱۳/۲۳)، سرمایه‌گذاری (۱۴/۰۶)، فرهنگی - اجتماعی (۹/۷۷) و بعد مدیریت شهری (۱۴/۹۲) در سطح معناداری $p \leq 0/01$ و بیانگر وجود تفاوت معنادار بین دو منطقه در زمینه مدیریت شهری و در سطح بالاتر بودن منطقه ۱ نسبت به منطقه ۱۰ می‌باشد، جداول (۴) و (۶).

جدول (۴). میانگین شاخص‌های بعد مدیریت شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز

بعد / شاخص	منطقه ۱	منطقه ۱۰
خدمات شهری	۳/۰۲	۲/۲۲
حکمروایی	۳/۰۶	۲/۲۵
سرمایه‌گذاری	۳/۰۷	۲/۱۵
فرهنگی - اجتماعی	۲/۷۵	۲/۱۹
مدیریت شهری	۲/۹۸	۲/۲

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول (۵). بررسی تفاوت شاخص‌های مدیریت شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز براساس آزمون T مستقل

بعد / شاخص	اختلاف میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	آماره t	سطح معناداری P
خدمات شهری	۰/۸	۰/۰۶	۳۳۳/۳۲	۱۲/۸۶	۰/۰۰۰
حکمروایی	۰/۸۲	۰/۰۶	۳۸۲	۱۳/۲۳	۰/۰۰۰
سرمایه‌گذاری	۰/۹۱	۰/۰۷	۳۸۲	۱۴/۰۶	۰/۰۰۰
فرهنگی - اجتماعی	۰/۵۶	۰/۰۶	۳۱۳/۱۱	۹/۷۷	۰/۰۰۰
مدیریت شهری	۰/۷۸	۰/۰۵	۳۰۵/۰۱	۱۴/۹۲	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

برای سنجش تفاوت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز از آزمون T مستقل استفاده شد. آزمون فوق در سطح اطمینان ۹۵٪ انجام شد. در این رابطه میانگین شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در منطقه ۱ نسبت به منطقه ۱۰ بیشتر بود و بیشترین میانگین به دست آمده برای شاخص کالبدی ۳/۸۲ برای منطقه ۱ به دست آمد. در این زمینه نتایج آزمون t براساس برابری واریانس‌ها (شاخص‌های دارای درجه آزادی ۳۸۲) و عدم برابری واریانس‌ها (شاخص‌های با درجه آزادی ناهمگون) بیان شده است. براساس نتایج به دست آمده، مشخص شد که وضعیت تمام ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز دارای تفاوت معنادار بوده است. مثبت بودن آماره t برای شاخص‌های اقتصادی (۷/۷۶)، اجتماعی (۲۰/۴۳)، کالبدی (۲۱/۱۲)، زیست-محیطی (۱۹/۱۸) و بعد زیست‌پذیری شهری (۲۱/۲) در سطح معناداری $P \leq 0/01$ بیانگر وجود تفاوت معنادار بین دو منطقه در زمینه وضعیت زیست‌پذیری شهری و در سطح بالاتر بودن منطقه ۱ نسبت به منطقه ۱۰ می‌باشد، جداول (۵) و (۷).

جدول (۶). میانگین شاخص‌های بعد زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز

منطقه ۱۰	منطقه ۱	بعد / شاخص
۲/۳۵	۲/۸۴	اقتصادی
۲/۳۲	۳/۷۲	اجتماعی
۲/۰۶	۳/۸۲	کالبدی
۲/۰۴	۳/۶۸	زیست‌محیطی
۲/۲	۳/۵۵	زیست‌پذیری شهری

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول (۷). بررسی تفاوت شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز براساس آزمون T مستقل

سطح معناداری P	آماره t	درجه آزادی	انحراف معیار	اختلاف میانگین	بعد / شاخص
۰/۰۰۰	۷/۷۶	۳۲۰/۵۱	۰/۰۶	۰/۴۹	اقتصادی
۰/۰۰۰	۲۰/۴۳	۳۸۲	۰/۰۷	۱/۴۱	اجتماعی
۰/۰۰۰	۲۱/۱۲	۳۷۲/۶	۰/۰۸	۱/۷۶	کالبدی
۰/۰۰۰	۱۹/۱۸	۳۷۲/۲۶	۰/۰۹	۱/۶۴	زیست‌محیطی
۰/۰۰۰	۲۱/۲	۳۸۲	۰/۰۶	۱/۳۵	زیست‌پذیری شهری

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

برای بررسی همبستگی و ارتباط شاخص‌های مدیریت شهری با زیست‌پذیری شهری از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده از جدول (۸)، تجزیه و تحلیل همبستگی پیرسون بیانگر این است که بین متغیرهای و شاخص‌های مدیریت شهری با شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در شهر تبریز، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. میزان ضریب همبستگی دو به دو بین شاخص‌های تحقیق بیانگر این بود که این رابطه مثبت و در سطح اطمینان یا معناداری $P \leq 0/01$ معنادار است. میزان ارتباط و همبستگی بین ابعاد مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری برابر ۰/۷ در سطح اطمینان ۹۹ درصد به دست آمد. همچنین میزان ارتباط و همبستگی بین شاخص‌های مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری در بازه عددی ۰/۴۸ الی ۰/۶۴ قرار داشت. بیشترین میزان ارتباط و همبستگی بین شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی با میزان ۰/۶۴ و کمترین میزان ارتباط نیز بین شاخص‌های کالبدی و

حکمرمایی به میزان ۰/۴۸ به صورت مثبت و معنادار به دست آمد. بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که شاخص‌های مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ شهر تبریز دارای ارتباط مثبت و معنادار با یکدیگر می‌باشند.

جدول (۸). بررسی همبستگی و ارتباط شاخص‌های مدیریت شهری با زیست‌پذیری شهری

شاخص	اقتصادی	اجتماعی	کالبدی	زیست-محیطی	زیست‌پذیری شهری
خدمات شهری	۱/۵۲**	۱/۶۱**	۱/۵۳**	۱/۵۳**	۱/۶۱**
حکمرمایی	۱/۵۶**	۱/۵۸**	۱/۴۸**	۱/۴۹**	۱/۵۸**
سرمایه‌گذاری	۱/۵۹**	۱/۵۹**	۱/۵۲**	۱/۵۴**	۱/۶۲**
فرهنگی - اجتماعی	۱/۶۴**	۱/۶۳**	۱/۶۱**	۱/۶۳**	۱/۶۹**
مدیریت شهری	۱/۶۵**	۱/۶۸**	۱/۶۰**	۱/۶۱**	۱/۷۰**

0.05 > *P ≤ 0.01 *P ≤ 0.05 ns

در نهایت برای تحلیل تأثیر اقدامات مدیریت شهری بر شاخص‌های زیست‌پذیری در شهر تبریز از تحلیل رگرسیونی به روش گام به گام استفاده شد. با توجه به این نکته که نیاز است برای استفاده از مدل‌های رگرسیونی به منظور شناسایی شاخص‌های مؤثر (مثبت و منفی) و مقایسه سهم و نقش آن‌ها در تبیین واریانس یک متغیر وابسته، هر کدام از آن‌ها به صورت متغیری جداگانه و در مقیاسی حداقل فاصله‌ای در دسترس باشند. بنابراین، تمام متغیرهای مستقل و وابسته در این پژوهش، از طریق میانگین‌گیری گویه‌های متناسب به دست آمده و شناسایی اقدامات اثرگذار نیز به کمک رگرسیون چندگانه با روش گام به گام انجام شده است. براساس نتایج به دست آمده از جدول (۹) در خصوص خلاصه مدل رگرسیونی، میزان R یا ضریب همبستگی متغیرهای تحقیق برابر ۰/۷۵ که بیانگر وجود همبستگی مناسب و تأثیر متغیرهای مستقل (اقدامات مدیریت شهری) بر متغیر وابسته (زیست‌پذیری شهری) است. هم‌چنین میزان ضریب تعیین مدل نیز برابر ۰/۵۶۲ و بیانگر این است که متغیرهای مستقل پژوهش قادر به تبیین حدود ۵۶ درصد از واریانس متغیر وابسته یا زیست‌پذیری شهری می‌باشند. هم‌چنین میزان شاخص دوربین واتسون برابر ۲/۳۱ به دست آمد که در بازه عددی ۱/۵ الی ۲/۵ قرار داشته و بیانگر استقلال خطاها بوده و بین خطاها خود همبستگی وجود ندارد.

جدول (۹). خلاصه مدل رگرسیونی در متغیرهای پژوهش

ضریب همبستگی (R)	ضریب تعیین (R Square)	ضریب همبستگی تعدیل‌شده	دوربین واتسون
۰/۷۵۰	۰/۵۶۲	۰/۵۵۹	۱/۶۳

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

جدول (۱۰) نتایج تحلیل واریانس مدل رگرسیونی را نشان می‌دهد. میزان آماره F برابر ۱۶۲/۵ و معنادار به دست آمد که بیانگر این است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل دارای نقش تأثیرگذار بر زیست‌پذیری شهری (متغیر وابسته) بوده و قابل تبیین و شناسایی است.

جدول (۱۰). تحلیل واریانس مدل رگرسیونی در متغیرهای تحقیق

منبع تغییرات	مجموع مربعات خطا	درجه آزادی	میانگین مربعات خطا	آماره F	p-سطح معناداری
رگرسیونی	۱۸۱/۱۸	۳	۶۰/۳۹	۱۶۲/۵	۰/۰۰۰
باقیمانده‌ها	۱۴۱/۲۲	۳۸۰	۰/۳۷		
مجموع	۳۲۲/۴	۳۸۳			

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول (۱۱)، مشخص شد که اقدامات مدیریت شهری در زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، خدمات شهری و سرمایه‌گذاری (به ترتیب اولویت) دارای اثرات معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد بر زیست‌پذیری شهری در شهر تبریز می‌باشند. نتایج بیانگر این امر بود که شاخص اجتماعی - فرهنگی دارای بیش‌ترین تأثیرگذاری با میزان ضریب استاندارد ۰/۴۸ است در این زمینه می‌توان به نقش نماگرهایی هم‌چون در دسترس بودن فضاها و امکانات تفریحی برای اوقات فراغت شهروندان، مدیریت مناسب زیبایی‌سازی فضاهای سبز و طراحی مناسب فضاهای شهری در راستای بروز خلاقیت و نوآوری در محیط زندگی اشاره نمود. پس از آن شاخص‌های خدمات شهری با میزان ضریب بتا یا وزن استاندارد شده رگرسیون ۰/۲۵۸ قرار داشتند که در این زمینه اهمیت مدیریت شهری و اقدامات زمینه‌ای در ارتباط با تنوع خدمات حمل و نقل شهری، ایمنی فضاهای و امکانات عموم و طراحی مناسب مبلمان شهری اشاره کرد. شاخص سرمایه‌گذاری نیز با میزان بتا ۰/۱۵ دارای اثرگذاری مستقیم و معنادار بر بهبود زیست‌پذیری شهری در شهر تبریز بود. هم‌چنین، شاخص حکمروایی فاقد اثر معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد بود. با توجه به آزمون هم‌خطی چندگانه (multi-collinearity) در خصوص شاخص تحمل نیز بیانگر عدم وجود هم‌خطی بین این متغیرها است. آماره تحمل هر متغیر بازگو کننده نسبتی از واریانس کل آن متغیر بوده که به وسیله متغیرهای دیگر تبیین نمی‌شود. براین اساس، هرچه مقدار این شاخص که در محدوده صفر تا یک است، به عدد یک نزدیکتر باشد مطلوبیت بیشتر متغیر برای مدل را نشان می‌دهد و ارزش‌های کمتر از ۰/۱ نیز نشان‌دهنده هم‌خطی چندگانه بین متغیرها و نامطلوبیت آن‌ها دارد.

جدول (۱۱). ضرایب شاخص‌های اثرگذار اقدامات مدیریتی بر زیست‌پذیری شهری در شهر تبریز براساس مدل رگرسیون

متغیرها	ضرایب غیراستاندارد (B)	ضرایب استاندارد (β)	آماره t	سطح معناداری Sig.	آماره تحمل (شاخص اثر همخطی)
عرض از مبدأ	-۰/۱۰۷		-۰/۷۵	۰/۴۵۲	-
فرهنگی - اجتماعی	۰/۷۲۴	۰/۴۸	۱۰/۸۴	۰/۰۰۰	۰/۵۸
خدمات شهری	۰/۳۲۸	۰/۲۵۸	۴/۷۹	۰/۰۰۰	۰/۴
سرمایه گذاری	۰/۱۳۶	۰/۱۱۵	۱/۹۸	۰/۰۴۸	۰/۳۴

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

در این زمینه شاخص حکمروایی در سطح اطمینان ۹۵ درصد فاقد اثرگذاری معنادار بر زیست‌پذیری شهری در شهر تبریز بود. جدول (۱۲) نتایج شاخص‌های دور افتاده را بیان می‌کند که براساس آن شاخص حکمروایی در سطح اطمینان ۵۵ درصد دارای اثرگذاری بر زیست‌پذیری شهری در شهر تبریز می‌باشد.

جدول (۱۲). شاخص‌های دور افتاده براساس مدل رگرسیون

متغیرها	بتا دور افتاده	همبستگی جزئی	آماره t	سطح معناداری Sig.	آماره تحمل (شاخص اثر همخطی)
حکمروایی	۰/۰۵۲	۰/۰۳۹	۰/۷۷	۰/۴۴۵	۰/۲۵

مأخذ: محاسبات نگارندگان.

۹. بحث

مفهوم یک شهر قابل زندگی، به معنای قابل سکونت بودن یا قابل زیست پذیر بودن، نیازمند هماهنگی و توافق میان دو عنصر است. یکی از این عناصر مربوط به ویژگی‌های جمعیتی است که خواهان کالاها و خدماتی مانند سرپناه، انرژی، آب و غذا، مدیریت و دفع پسماند، بهداشت و ایمنی عمومی، آموزش و سرگرمی، تعامل اجتماعی، مشارکت اقتصادی، خلاقیت و بسیاری موارد دیگر هستند. به‌طور خلاصه، از این دیدگاه، قابلیت زندگی از دریچه نیازها و خواسته‌های ساکنان شهر سنجیده می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد که میان دو منطقه ۱ و ۱۰ شهر تبریز در شاخص‌های مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری تفاوت معناداری وجود دارد. منطقه ۱، با برخورداری از شاخص‌های قوی‌تر در حوزه‌های خدمات شهری، حکمروایی و سرمایه‌گذاری، توانسته در مؤلفه‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و کالبدی نیز وضعیت مطلوب‌تری نسبت به منطقه ۱۰ کسب کند. این نتایج در برخی ابعاد با مطالعات داخلی هم‌راستا بوده و در برخی موارد نیز تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. در مطالعه زارع و رحیمی (1399) درباره کلان‌شهر شیراز، نتایجی مشابه مشاهده شد؛ به‌طوری‌که مناطق دارای ساختار مدیریتی پایدارتر و زیرساخت‌های بهتر، امتیازهای بالاتری در شاخص‌های زیست‌پذیری کسب کرده بودند. همچنین در پژوهش نوروزی و همکاران (1400) درباره مناطق شهرداری تهران، نیز مشخص شد که کیفیت حکمروایی محلی و نحوه تخصیص منابع، نقش تعیین‌کننده‌ای در تفاوت سطح زیست‌پذیری در مناطق مختلف دارد؛ این یافته با داده‌های پژوهش حاضر به‌ویژه در بعد مدیریتی منطقه ۱ تبریز هم‌راستا است.

از سوی دیگر، پژوهش علی‌پور و شریفی (1401) در ارزیابی زیست‌پذیری مناطق حاشیه‌ای کرمانشاه به نتیجه‌ای متفاوت رسید. آن‌ها نشان دادند که حتی در برخی مناطق با بهبود نسبی زیرساخت‌ها، به دلیل ضعف در شاخص‌های اجتماعی-فرهنگی و مشارکت شهروندی، ارتقای معناداری در احساس زیست‌پذیری مشاهده نمی‌شود. این تضاد با یافته‌های پژوهش حاضر - به‌ویژه در رابطه با عدم تفاوت چشمگیر شاخص‌های اجتماعی بین دو منطقه - حاکی از آن است که وضعیت فرهنگی-اجتماعی ممکن است نیازمند تحلیل‌های عمیق‌تری در زمینه زمینه‌های محلی، هویت جمعی و انسجام اجتماعی باشد. در سطح بین‌المللی، مطالعه ژانگ و همکاران (۲۰۲۱) در چین نشان داد که مؤلفه‌های مدیریتی مانند شفافیت، پاسخ‌گویی، و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های پایدار، اثر مستقیمی بر بهبود شاخص‌های زیست‌پذیری در شهرهای در حال توسعه دارد؛ مشابه با آنچه در منطقه ۱ تبریز مشاهده شده است. همچنین تحقیق سیلوا و باتیستا (۲۰۲۲) در برزیل بیان می‌کند که در مناطقی با ضعف تاریخی در حکمرانی و برنامه‌ریزی، حتی تلاش‌های متمرکز مدیریت شهری نمی‌تواند بدون سیاست‌گذاری مشارکتی و عدالت‌محور منجر به بهبود معنادار کیفیت زندگی شود. این نتیجه به‌خوبی وضعیت منطقه ۱۰ تبریز را تبیین می‌کند، جایی که اقدامات مدیریتی پراکنده نتوانسته‌اند منجر به ارتقای مؤلفه‌های زیست‌پذیری شوند. همچنین گاوو و همکاران (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای بر شهرهای آسیای جنوب‌شرقی به رابطه مستقیم میان زیست‌پذیری و مدیریت یکپارچه شهری اشاره کرده و تأکید کردند که نبود هماهنگی بین نهادهای محلی، منجر به تشدید نابرابری شهری می‌شود؛ موضوعی که در شکاف موجود میان دو منطقه تبریز به‌وضوح قابل مشاهده است.

۱۰. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

زیست‌پذیری شهری در سال‌های اخیر به موضوعی مهم برای تحقیق و بحث میان مدیران شهری و دولت‌ها تبدیل شده است. دلیل این امر آن است که گسترش و تراکم روزافزون شهری فشار بیشتری بر فضای محدود، منابع و محیط زیست وارد می‌کند و ظرفیت شهرها را برای حفظ کیفیت مناسب زندگی کاهش می‌دهد. مفهوم قابلیت زیست‌پذیر ابتدا در قرن بیستم توسط جنبش‌هایی مانند شهرگرایی نوین، رشد هوشمند و شهرگرایی پایدار مورد توجه قرار گرفت. با این حال، پس از به رسمیت شناختن اهداف توسعه پایدار سازمان ملل شهرهای قابل زیست و سالم به اولویتی جهانی تبدیل شده‌اند. با توجه به هدف پژوهش حاضر که سنجش کارایی راهبردهای مدیریتی بر بهبود شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در منطقه ۱ و ۱۰ تبریز بود یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که

میان دو منطقه ۱ و ۱۰ شهر تبریز در ابعاد مختلف مدیریت شهری و زیست‌پذیری شهری تفاوت‌های معناداری وجود دارد. در بُعد مدیریت شهری، شاخص‌های خدمات شهری، حکمروایی و سرمایه‌گذاری در منطقه ۱ به‌طور معناداری بالاتر از منطقه ۱۰ هستند، که بیانگر کارآمدی بیشتر سازوکارهای مدیریت محلی و تخصیص منابع در این منطقه است. هرچند تفاوت چشمگیری در شاخص فرهنگی-اجتماعی میان دو منطقه مشاهده نشد، اما مجموع امتیاز مدیریت شهری در منطقه ۱ (۲/۹۸) در مقایسه با منطقه ۱۰ (۲/۲) حاکی از عملکرد کلی مطلوب‌تر آن است.

در بعد زیست‌پذیری شهری نیز، منطقه ۱ در شاخص‌های اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی به‌طور قابل توجهی وضعیت بهتری نسبت به منطقه ۱۰ دارد؛ به‌گونه‌ای که میانگین کلی زیست‌پذیری در منطقه ۱ معادل ۳/۵۵ و در منطقه ۱۰ معادل ۲/۲ محاسبه شده است. این تفاوت عمدتاً نشان‌دهنده تأثیرگذاری سیاست‌ها و اقدامات مدیریت شهری بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان است. با توجه به نتایج به دست آمده فرضیه اول و دوم پژوهش یعنی مدیریت شهری تأثیر معناداری بر شاخص‌های زیست‌پذیری شهری در مناطق ۱ و ۱۰ کلان‌شهر تبریز و سطح زیست‌پذیری شهری در منطقه ۱ تبریز به دلیل برخورداری از خدمات و امکانات شهری، بالاتر از منطقه ۱۰ است تایید می‌گردد. فرضیه سوم که مبنی بر شاخص‌های اقتصادی و زیست‌محیطی بیشترین تأثیر را از اقدامات مدیریت شهری می‌پذیرند بود رد می‌گردد. همچنین فرضیه چهارم که شامل ارتقای کیفیت مدیریت شهری منجر به افزایش رضایت شهروندان و بهبود کیفیت زندگی در کلان‌شهر تبریز خواهد بود با توجه به نتایج به دست آمده تایید می‌شود.

در مجموع، نتایج تحقیق بیانگر آن است که ارتقای شاخص‌های زیست‌پذیری شهری ارتباط مستقیمی با کارآمدی نظام مدیریت شهری دارد. به‌ویژه در مناطقی که سیاست‌های مدیریت شهری به‌طور جامع‌تری اجرا شده‌اند، کیفیت زندگی شهری در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و زیست‌محیطی نیز ارتقاء یافته است. بر این اساس، اتخاذ رویکردهای یکپارچه و مبتنی بر شواهد در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری شهری، به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، می‌تواند راهگشای تحقق شهرهای زیست‌پذیرتر و پایدارتر باشد. با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهایی در زیر ارائه می‌گردد:

۱. تقویت نظام حکمروایی محلی با رویکرد مشارکت‌محور: بهبود وضعیت حکمروایی شهری مستلزم افزایش شفافیت، پاسخ‌گویی و مشارکت واقعی شهروندان در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. توسعه سامانه‌های نظرسنجی مردمی و شوراهای محلی می‌تواند به تقویت اعتماد عمومی و بهبود کیفیت تصمیمات مدیریتی منجر شود.

نحوه اجرا: ایجاد و توسعه سامانه‌های دیجیتال یکپارچه (اپلیکیشن‌ها و پورتال‌های شهری) برای نظرسنجی آنلاین و پیگیری مطالبات شهروندان؛ برگزاری نشست‌های فصلی محلات با حضور مدیران شهری؛ تقویت شوراهای محلی و ایجاد سازوکارهای الزام‌آور برای پاسخگویی مدیریت شهری به مصوبات آن‌ها.

۲. بازتوزیع منابع و خدمات شهری با رویکرد عدالت فضایی: لازم است در برنامه‌ریزی شهری توجه بیشتری به توزیع متوازن خدمات و زیرساخت‌ها در مناطق کمتر توسعه‌یافته معطوف شود. تخصیص عادلانه بودجه و منابع به مناطق مانند منطقه ۱۰، در بهبود شاخص‌های خدماتی، زیربنایی و رفاهی تأثیرگذار خواهد بود.

نحوه اجرا: تدوین «بودجه‌بندی مشارکتی» به‌گونه‌ای که درصد مشخصی از منابع شهرداری به پروژه‌های توسعه‌ای مناطق کم‌برخوردار اختصاص یابد؛ اولویت‌بندی پروژه‌های خدماتی و زیرساختی در منطقه ۱۰ با استفاده از شاخص‌های محرومیت؛ پایش دوره‌ای وضعیت خدمات و انتشار عمومی گزارش‌ها برای کنترل عدالت فضایی.

۳. جذب سرمایه‌گذاری‌های هدفمند در مناطق محروم: ایجاد مشوق‌های اقتصادی برای سرمایه‌گذاران خصوصی و تعاونی‌ها جهت سرمایه‌گذاری در پروژه‌های شهری مناطق کم‌برخوردار، می‌تواند نقش مهمی در ارتقای کیفیت محیط زندگی، ایجاد اشتغال و کاهش نابرابری‌های فضایی ایفا کند.

نحوه اجرا: طراحی بسته‌های مشوق اقتصادی شامل معافیت‌های مالیاتی ۳ تا ۵ ساله، کاهش عوارض ساخت‌وساز، واگذاری زمین‌های دولتی برای پروژه‌های اشتغال‌زا (مانند مجتمع‌های خدماتی-تجاری کوچک‌مقیاس)؛ ایجاد صندوق‌های سرمایه‌گذاری محلی با مشارکت شهرداری، بخش خصوصی و تعاونی‌ها.

۴. طراحی برنامه‌های مداخله‌ای برای بهبود محیط زیستی و کالبدی: با توجه به پایین بودن شاخص‌های زیست‌محیطی و کالبدی در منطقه ۱۰، اجرای طرح‌های بهسازی بافت فرسوده، توسعه فضای سبز، بهبود شبکه حمل‌ونقل عمومی و کنترل آلودگی می‌تواند سهم بسزایی در ارتقای زیست‌پذیری داشته باشد.

نحوه اجرا: اجرای طرح‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده از طریق اعطای تسهیلات کم‌بهره به ساکنان؛ احداث و توسعه فضاهای سبز محلی و پارک‌های محله‌محور؛ ارتقای سیستم حمل‌ونقل عمومی با تمرکز بر اتوبوس‌های برقی و مسیرهای دوچرخه؛ اجرای طرح‌های کاهش آلودگی هوا (مانند پایش لحظه‌ای آلاینده‌ها و کنترل صنایع آلاینده).

۵. توسعه برنامه‌های فرهنگی-اجتماعی با محوریت سرمایه اجتماعی: با وجود شباهت شاخص فرهنگی-اجتماعی در دو منطقه، ایجاد مراکز فرهنگی، اجتماعی و ورزشی در مناطق کم‌برخوردار می‌تواند به تقویت انسجام اجتماعی، کاهش آسیب‌های شهری و افزایش احساس تعلق ساکنان به محل زندگی‌شان منجر شود.

نحوه اجرا: ایجاد مراکز فرهنگی و ورزشی محلی در زمین‌های بلااستفاده یا متروکه؛ برگزاری برنامه‌های محلی مانند جشنواره‌های محله‌ای، دوره‌های مهارت‌آموزی و فعالیت‌های داوطلبانه؛ حمایت از سازمان‌های مردم‌نهاد برای اجرای طرح‌های اجتماعی در مناطق کم‌برخوردار.

۷. محدودیت‌های پژوهش

محدودیت در مشارکت شهروندان: به دلیل عدم تمایل یا بی‌اعتمادی برخی شهروندان به پاسخگویی کامل، احتمال سوگیری در پاسخ‌ها وجود دارد.

محدودیت داده‌ها و اطلاعات رسمی: نبود داده‌های به‌روز و دقیق در خصوص شاخص‌های اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی، پژوهش را ناگزیر به استفاده از پرسشنامه‌های میدانی کرده است.

محدودیت‌های نهادی و اجرایی: دسترسی به مدیران شهری و اسناد داخلی شهرداری برای تکمیل داده‌ها محدود بوده و این امر بر جامعیت تحلیل اثر مدیریت شهری تأثیر گذاشته است.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

مشارکت نویسندگان

مشارکت نویسندگان در مقاله مستخرج از رساله دکتری به شکل توضیح داده شده از سوی مجله، مورد تأیید نویسندگان این مقاله است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

مقاله حاضر فاقد حمایت مالی است.

سپاسگزاری

از کلیه کسانی که در مراحل مختلف نوشتن این مقاله با نظرات خود ما را یاری دادند، سپاسگزاری می‌کنیم.

منابع و مأخذ

- احدزاد، روشتی، محسن؛ سجادی، ژیللا و باری قلی، وحید. (۱۳۹۷). بررسی جایگاه مفهوم زیست پذیری شهری در طرح توسعه شهری نمونه مطالعاتی: طرح جامع شهر زنجان. جغرافیا (فصلنامه علمی انجمن جغرافیایی ایران)، ۱۶(۵۹)، ۹۵-۱۰۸.
- اسمعیل پور، مرضیه؛ لاله پور، منیژه و ممقانی، سمانه. (۱۴۰۱). ارزیابی میزان آسیب‌پذیری مسکن شهر تبریز در برابر مخاطره زلزله (مطالعه موردی: منطقه ۱۰ شهرداری). جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۲۶(۸۲)، ۲۷-۴۸.
- <https://doi.org/10.22034/gp.2022.48908.2921>
- آسیابانی پور، الهام؛ پناهی، علی و احمد زاده، حسن. (۱۴۰۰). سنجش و ارزیابی بعد عینی زیست پذیری شهری در مناطق دهگانه کلانشهر تبریز. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۳(۲)، ۵۴۵-۵۶۵.
- <https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.286057.1007981>
- پور رمضان، ابراهیم؛ نبی بید، غلامرضا و گیوه جی، سعید. (۱۳۹۷). بررسی نقش مؤلفه‌های مدیریت شهری در گسترش کالبدی شهر مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران. فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۸(۴)، ۴۳۴-۴۲۷.
- <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.22286462.1397.8.4.25.8>
- حبیبی، داوود؛ کسا لایی، افسانه و افتخاری یوسف آباد، جمشید. (۱۳۹۷). بازخوانی شاخص‌های اثرگذار در رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری و مدیریت شهری. دوماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه، ۳(۱)، ۱-۱۲.
- <https://civilica.com/doc/821247>
- خوارزمی، امیدعلی؛ قاسم زاده، راضیه و پیرزاده، زهره. (۱۴۰۱). مدلسازی تأثیرگذاری اقدامات مدیریت شهری بر زیست‌پذیری شهر مشهد (نمونه موردی: منطقه ۶ و ۹). جغرافیای اجتماعی شهری، ۹(۱)، ۹۷-۱۱۹.
- <https://doi.org/10.22103/JUSG.2022.2064>
- رحمتی دلیر، ثریا؛ ملک حسینی، عباس. (۱۳۹۸). بررسی میزان انطباق پذیری مدیریت شهری ایران با اصول حکمروایی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر کنگاور). مطالعات هنر اسلامی، ۱۵(۳۳)، ۱۶۴-۱۸۹.
- <https://doi.org/10.22034/ias.2019.91561>
- رضایی، رامین؛ میرزانلو، رضا طاهر. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل کاربری فضای سبز شهری نمونه موردی شهرداری منطقه ۱۰ کلانشهر تبریز. اولین کنفرانس ملی شهرسازی. مدیریت شهری و توسعه پایدار، تهران.
- <https://civilica.com/doc/360674>
- رهنما، محمد رحیم؛ قنبری، محمد، محمدی حمیدی، سمه و حسینی، سید مصطفی. (۱۳۹۸). ارزیابی و سنجش زیست‌پذیری شهری در کلان‌شهر اهواز. مجله شهر پایدار، ۲(۲)، ۱۷-۱.
- <https://www.doi.org/10.22034/jsc.2019.197229.1090>
- زینی، سیده منور؛ مجتبی زاده، حسین. (۱۳۹۹). مطالعه‌ی تطبیقی شاخص‌های زیست‌پذیری مناطق شهری اسلامشهر. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۱(۴۳)، ۱۷۸-۱۶۵.
- <https://dorl.net/dor/20.1001.1.22285229.1399.11.43.11.4>
- سرائی، محمد حسین؛ یاراحمدی، منصوره. (۱۴۰۱). شناسایی زیست‌پذیری ارزیابی مؤلفه‌های مؤثر بر زیست‌پذیری در نواحی شهری (مطالعه موردی: شهر اسفراین). جغرافیا و پایداری محیط. ۱۲(۴)، ۳۵-۲۳.
- <https://doi.org/10.22126/ges.2022.7545.2513>
- سلیمانی مهرنجاتی؛ محمد، تولایی، سیمین، رفیعیان، مجتبی و خزاعی نژاد، فروغ. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، ۴(۱)، ۲۷-۵۰.
- <https://doi.org/10.22059/jurbangeo.2016.58120>

- صفايي پور، مسعود و خدري مير قائد، روح اله . (۱۴۰۴). بررسی نقش مدیریت شهری در کاهش آسیب های اجتماعی شهر اهواز. فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای.
- صفاری، فاطمه، یزدانی، محمدحسن و محمدی، علیرضا . (۱۴۰۴). ارزیابی مولفه‌های موثر بر حکمروایی مطلوب شهری (مورد پژوهی: شهر اردبیل). فصلنامه مطالعات توسعه پایدار شهری و منطقه ای.
- فرج‌اللهی، عاطفه؛ پورمحمدی، محمدرضا، حیدری چیا، رحیم، مختاری، داوود . (۱۴۰۱). تحلیل تطبیقی زیست‌پذیری در مناطق شهری؛ مطالعه موردی مناطق دهگانه کلانشهر تبریز. فصلنامه علمی و پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱۳(۵۰)، ۱۴-۲۹. <https://www.magiran.com/p2529793>
- قنبری، محمد؛ اجزاء شکوهی، محمد، رهنما، محمدرحیم و خوارزمی، امید علی . (۱۴۰۲). تحلیلی بر زیست‌پذیری شهری براساس شاخص زیست‌محیطی (مطالعه موردی: کلان‌شهر مشهد، جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ۲۱(۱)، ۳۳-۱). <https://doi.org/10.22067/jgrd.2021.47188.0>
- محمدی ده چشمه، پژمان . (۱۳۹۹). بررسی وضعیت شاخص های زیست پذیری شهری در شهرکرد بر مبنای جایگاه مدیریت شهری. تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی (علوم جغرافیایی)، ۲۰(۵۷)، ۲۰۵-۲۲۲. <https://doi.org/10.22059/jhgr.2019.277044.1007871>
- نجفی، سعید؛ راه دار، احمد و اسمعیلی، بهزاد . (۱۴۰۳). تحلیلی بر زیست پذیری کالبدی مسکن شهری (نمونه موردی : شهر زنجان). پژوهش‌های جغرافیای اقتصادی، ۴(۱۴)، ۷۰-۵۴.
- نجفی، مهرداد؛ رشادجو، حمیده و استعلاجی، علیرضا . (۱۳۹۸). نقش بازآفرینی شهری در زیست پذیری شهری (نمونه مطالعاتی: محله جاوید زنجان). فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۱۱(۴۰)، ۱-۱۶. <https://www.magiran.com/p2353528>
- ولی زاده، رضا؛ داداش پورمقدم، مجید . (۱۳۹۹). ارزیابی میزان تاب‌آوری کالبدی شبکه معابر منطقه ۱ شهر تبریز در برابر مخاطرات شهری. نشریه مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری. ۳-۳(۱۲)، ۲۵-۳۴. <https://civilica.com/doc/1273211>
- ویسی ناب، برهان؛ بابایی اقدم، فریدون و قربانی، رسول . (۱۳۹۸). تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر زیست پذیری شهری (مورد مطالعه: کلان شهر تبریز). اقتصاد و مدیریت شهری، ۷(۳) (پیاپی ۲۷)، ۳۵-۵۲. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.23452870.1398.7.27.3.3>
- Al-Thani, S. K., Amato, A., Koç, M., & Al-Ghamdi, S. G. (2019). Urban sustainability and livability: An analysis of Doha's urban-form and possible mitigation strategies. *Sustainability*, 11(3), 786. <https://doi.org/10.3390/su11030786>
- Fu, B., Yu, D., & Zhang, Y. (2019). The livable urban landscape: GIS and remote sensing extracted land use assessment for urban livability in Changchun Proper, China. *Land use policy*, 87, 104048. <https://doi.org/10.1016/j.landusepol.2019.104048>
- Jodder, P. K., Hossain, M. Z., & Thill, J. C. (2025). Urban Livability in a Rapidly Urbanizing Mid-Size City: Lessons for Planning in the Global South. *Sustainability*, 17(4), 1504. <https://www.mdpi.com/journal/sustainability>
- Lee, K. Y. (2021). Factors influencing urban livability in Seoul, Korea: Urban environmental satisfaction and neighborhood relations. *Social sciences*, 10(4), 138. <https://doi.org/10.3390/socsci10040138>
- Paul, A.; Sen, J. A Critical Review of Liveability Approaches and Their Dimensions. *Geoforum* 2020, 117, 90–92. <https://doi.org/10.1016/j.geoforum.2020.09.008>

- Shi, C., Guo, N., Zeng, L., & Wu, F. (2022). How climate change is going to affect urban livability in China. *Climate Services*, 26, 100284. <https://doi.org/10.1016/j.cliser.2022.100284>
- Wang, Y., & Miao, Z. (2022). Towards the analysis of urban livability in China: Spatial-temporal changes, regional types, and influencing factors. *Environmental Science and Pollution Research*, 29(40), 60153-60172. <https://doi.org/10.1007/s11356-022-20092-6>